بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۱۲۲۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۴/۱۲/۴ ۱۵:۰۶:۲۳

متن پرسش

سلام استاد: آیا این برداشت صحیح است؟ کجای مطلب اشکال داره؟۱. وحدت وجود و تجلی صفات (نه ذات) در مکتب ابن عربی، وحدت وجود به این معنا نیست که خالق و مخلوق یک چیز هستند، بلکه به این معناست که وجود حقیقی و اصیل، تنها منحصر به خداوند است و موجودات دیگر، جلوات و مظاهر صفات اویند، نه ذات او. برای روشن شدن این مفهوم می‌توان از مثال معروف خورشید و آینه‌ها استفاده کرد: · خورشید در آسمان: تشبیهی از ذات خداوند است که در جایگاه خود ثابت و غیرقابل دسترس است. · نور خورشید: تشبیهی از تجلی صفات خداوند است که در همه جا پخش می‌شود. آینه‌ها: تشبیهی از موجودات (مخلوقات) هستند که هر کدام به اندازه ظرفیت و «استعداد» خود، آن نور را منعکس می‌کنند . بنابراین، آنچه در انسان‌های مختلف تجلی می‌کند، صفات خداست (مانند رحمت، عدل، قهر، لطف) و ذات الهی همواره متعالی و فراتر از این تجلیات باقی می‌ماند. ۲. تجلی در انسان‌های مختلف: از انسان کامل تا انسان عادی: در حکمت ابن عربی، تجلی به یک شکل نیست و دارای مراتب است. درجات تجلی در انسان‌ها بر اساس «ظرفیت وجودی» یا همان «استعداد ذاتی» آنها متفاوت است. این تفاوت درجه، به مفهومی به نام «اعیان ثابته» یا «حقایق ثابت» برمی‌گردد. «اعیان ثابته» یعنی طرح و نقشه و استعداد ذاتی هر موجودی که از ازل در علم الهی وجود داشته است. خداوند بر اساس این اعیان، فیض وجود را به آنها می‌بخشد. به بیان دیگر، هر موجودی به اندازه گنجایش «عین ثابت» خود، می‌تواند مظهر و جلوه‌گاه اسماء و صفات الهی باشد . ۳. مراتب تجلی (از بالاترین تا پایین‌ترین): ابتدا انسان کامل, که در رأس این هرم، انسان کامل قرار دارد که حضرت محمد (ص) بارزترین مصداق آن است. ابن عربی از انسان کامل به عنوان «مظهر تام اسمای الهی» یاد می‌کند. او مانند یک آینه تمام‌نما، تمام صفات و نام‌های خدا را در خود منعکس می‌سازد و واسطه فیض الهی به جهان هستی است. هدف از خلقت، ظهور همین انسان کامل بوده است تا خداوند صفات خود را در موجودی کامل مشاهده کند. مراتب پایین‌تر: هر چه از این مرتبه کامل فاصله می‌گیریم، ظرفیت وجودی کمتر شده و انسان‌ها فقط مظهر تعدادی از صفات الهی می‌شوند. به عنوان مثال، یک انسان می‌تواند مظهر صفت «رحمت» یا «عدل» باشد، اما هرگز نمی‌تواند به تنهایی مظهر تمام اسما باشد. ۴. تفاوت تجلی و مظهر: تجلی: به فعل و عمل خداوند اشاره دارد. یعنی خداوند است که با صفات خود بر بندگانش «تجلی» می‌کند. این یک فعل الهی است. · مظهر: به محل و آیینه ظهور اشاره دارد. یعنی انسان یا هر موجودی که این صفات در او دیده می‌شود، «مظهر» آن صفت خداست. می‌توانیم هر دو واژه را به کار ببریم، اما در یک جمله دقیق،

وقتی از منظر خدا به عالم نگاه می‌کنید، می‌گویید خدا «تجلی» کرده است، و وقتی از منظر عالم به خدا نگاه می‌کنید، می‌گویید این مخلوق، «مظهر» صفات خداست. در جهنم، این صفات قهر و جلال خداوند هستند که بر انسان‌ها تجلی می‌کنند، نه ذات او. عذاب جهنم نیز نتیجه مستقیم اعمال خود انسان‌هاست که در قالب «تجسم اعمال» ظاهر می‌شود و این اعمال نیز جلوه‌ای از صفات الهی در چهره‌ای خشمگین و دردناک هستند. حتی در این حالت نیز، این تجلی صفات است، نه حلول ذات.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله به نکات خوبی اشاره فرموده‌اید. خداوند ما را در این نوع معارف، حاضر و حاضرتر کند. در این رابطه و برای حضوری که نیاز این زمانه می‌باشد، جناب صدرالمتألهین، «برهان صدیقین» را به میان آورده‌اند که خوب است به آن مبحث مهم نیز رجوع شود به اعتبار «قلوبٌ یعقلون بها» https://lobolmizan.ir/get-file/۶۴۳/?item=۰ . موفق باشید